

استیون اسپیلبرگ و فلسفه

Edited by Dean A. Kowalski
Steven Spielberg and Philosophy
University Press of Kentucky, February 2011

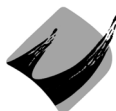
عنوان و نام پدیدآور: استیون اسپیلبرگ و فلسفه / [ویراستار] دین کوالسکی؛
ترجمه سیدحسن شریعتی.
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۵۶ص.
شابک: 978-622-7765-02-1
موضوع: اسپیلبرگ، استیون، ۱۹۴۶ - م. -- نقد و تفسیر
موضوع: سینما -- جنبه‌های اخلاقی
شناسه افزوده: کوالسکی، دین، ۱۹۷۰ - م.، ویراستار
شناسه افزوده: شریعتی، سیدحسن، ۱۳۵۰ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: PN۱۹۹۸/۳
رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۲۵۴۷۴

استیون اسپیلبرگ و فلسفه

دین کوالسکی

ترجمه

سید حسن شریعتی



نشر کردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.
www.kargadanpub.com
telegram.me/kargadanpub
instagram.com/kargadan.pub



استیون اسپیلبرگ و فلسفه

گردآورنده و نویسنده: دین کوالسکی

مترجم: سیدحسین شریعتی

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۵-۰۲-۱

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱	مقدمه مترجم
۵	سپاسگزاری
۷	مقدمه دین کوالسکی

بخش اول: فلسفه، فیلم‌ساز و شرایط انسانی

	فلسفه و فیلم‌هایی «بزرگ، با داستانی ساده» دو نمونه از سبک سهل و ممتنع اسپیلبرگ /
۱۵	گری آرمز و توماس ریلی
۶۱	بازیابی دوران کودکی و جست‌وجوی پدرغایب / مایکل لی‌گال و چارلز تالیفرو
	اخلاق لویناسی غیریت [دیگری بودن]: چهره دیگری در زبان سینمایی اسپیلبرگ /
۷۹	جان رایت
	پارادکس باور داستانی و پیامدهای اخلاقی آن در آرواره‌ها /
۱۰۵	کریستوفر تورگن و دین کوالسکی
۱۲۳	A. I. هوش مصنوعی و حس تراژیک زندگی / تیموتی دان

بخش دوم: ارزش‌ها، فضیلت و عدالت

	چرا شبیه‌سازی یک دایناسور نادرست است؟ پارک ژوراسیک و طبیعت در مقام
۱۴۳	منشأ مرجعیت اخلاقی / جیمز اسپنس

- ۱۶۳ - - - - - آیا اسکار شیندلر انسان خوبی است؟ / راجر ایبرت
- ۱۸۷ - - - - - اخلاق اسپیلبرگی خانواده در نجات سرباز رایان و رنگ / رغوانی / رابرت کلیوز
- ۲۱۷ - - - - - حقوق بشر، حقوق طبیعی و آمیستاد / دیوید باگت و مارک فورمن
- بخش سوم: واقع‌گرایی، ذهن و متافیزیک
- ۲۴۵ - - - - - اسپیلبرگ و واقع‌گرایی سینمایی / کیت دروم
- ۲۷۳ - - - - - A. I.: هوش مصنوعی: سهل‌انگاری هنری، یا تحقیقی پیشرفته؟ / آلن وایت
- ۲۹۷ - - - - - گزارش اقلیت، مولینیسیم و امکان پیشگیری از جنایت قبل از وقوع / دین کوالسکی
- ۳۲۹ - - - - - ضمیمه: چهار فیلم بحث‌انگیز اسپیلبرگ

مقدمه مترجم

تقدیم به خاطره ابدی مادرم و عالیه

سینما یعنی استیون اسپیلبرگ^۱

کتابی که در اختیار خوانندگان قرار گرفته است ترجمه کتابی است با همین عنوان و به قلم جمعی از استادان فلسفه دانشگاه‌های امریکا. شاید بهترین معرفی کتاب از آن دین کوالسکی، ویراستار و نویسنده یکی از مقالات آن، باشد: «در صفحات پیش رو، شما بررسی کارنامه سی‌ساله اسپیلبرگ و ارزیابی آن را نه از لنز دوربین فیلم‌برداری، که از پشت لنز فلسفه مشاهده خواهید کرد». البته این تعریف نباید ما را به اشتباه بیندازد. بی‌شک اهمیت فیلم‌های اسپیلبرگ پیش از هر چیز به زیبایی‌شناسی آنها و نبوغ خود او وابسته است. به عبارت دیگر، فیلم‌ها تا فیلم نباشند حرفی برای گفتن ندارند، چه فلسفی چه اخلاقی چه سیاسی و چه هر چیز دیگر. تمام نویسندگان این کتاب به ارزش هنری فیلم‌های اسپیلبرگ واقف‌اند و او را فیلم‌سازی بی‌همتا و هنرمندی درجه یک می‌دانند و به آن (به تصریح یا تلویح) اذعان دارند. پس دیدن فیلم‌های اسپیلبرگ (یا هر فیلم‌ساز دیگر) از پشت لنز فلسفه منوط به دیدن آنها از لنز دوربین فیلم‌برداری است. از این رو، بررسی فیلم‌های او از دیدگاه فلسفی به معنای نادیده گرفتن ارزش هنری آنها نیست.

۱. در اوج مقبولیت «نظریه مؤلف»، ژان لوک گدار، فیلم‌ساز موج نو فرانسه و از طرفداران و بانیان این نظریه، در پاسخ به خبرنگاری که از او پرسیده بود «سینما چیست؟»، می‌گوید: «سینما یعنی نیکلاس ری».

به نظر مترجم، این کتاب از دو حیث اهمیت دارد. نخست، ارائهٔ تفسیری کاملاً جدید از فیلم‌های اسپیلبرگ و دوم طرح مسائل فلسفی به‌شکلی ملموس و قابل فهم برای همه. یک نمونهٔ آن بررسی فیلم فهرست شیندلر است از دیدگاه‌های اخلاقی کانت و ارسطو. چنان‌که می‌دانیم، این دو فیلسوف نمایندگان اصلی دو نحلهٔ مهم و متفاوت در فلسفهٔ اخلاق‌اند: اخلاق وظیفه‌گرا و اخلاق فضیلت‌گرا. راجر ایبرت در مقاله‌ای با عنوان «آیا اسکار شیندلر انسان خوبی است؟» در باب این پرسش تأمل کرده است. اکثر (اگر نگوییم همه) کسانی که این فیلم را دیده‌اند، پس از پایان آن، بی‌هیچ تردیدی، اسکار شیندلر را انسانی خوب و شایستهٔ تقدیر می‌دانند؛ چراکه جان هزاران یهودی را از مرگ حتمی در اردوگاه‌های کار اجباری نجات داد. او با کارگرفتن یهودیان با دستمزد بسیار کم (تقریباً هیچ) در کارخانهٔ خود، علاوه بر نجات آنها به ثروتی کلان دست یافت. ثروتی که در پایان، تمام آن را صرف نجات یهودیان بیشتری کرد. آیا چنین شخصی انسان خوبی نیست؟ بر اساس فلسفهٔ اخلاق کانت، نه! یا لاقلاً تا اواخر فیلم نه. اما چرا؟ زیرا در ابتدا هدف او از به کارگرفتن یهودیان صرفاً به دست آوردن سود هرچه بیشتر بود. او این کار را به قصد عمل به وظیفهٔ اخلاقی خود (در مقام انسان) در قبال انسان‌های بی‌گناهی که در معرض خطرند انجام نداد. نزد کانت، عمل تنها زمانی اخلاقی است که صرفاً به قصد انجام وظیفه و نه هیچ چیز دیگر صورت پذیرد. به علاوه، او برای به کارگرفتن هرچه بیشتر یهودیان در کارخانهٔ خود (که به معنای نجات جان آنها بود) دست به هر کاری زد، از جمله دادن رشوه. آیا می‌توان برای عمل به وظیفهٔ اخلاقی دست به عمل غیر اخلاقی زد؟ آیا برای رسیدن به خیر می‌توان مسیر شر را برگزید؟ در پایان فیلم، قطاری که قرار است کارگران یهودی شیندلر را به کارخانهٔ او بیاورد، به اشتباه به یکی از اردوگاه‌های مرگ فرستاده می‌شود. شیندلر با دادن رشوه‌ای کلان (مقدار معتنا بهی الماس) آنها را به کارخانهٔ خود بازمی‌گرداند، اما در عوض یهودیانی که به اشتباه به کارخانهٔ او فرستاده شده بودند به اردوگاه مرگ منتقل می‌شوند. او برای نجات کارگران یهودی خود یهودیان دیگری را به کام مرگ فرستاد. اکنون آیا می‌توانیم او را انسان خوبی بدانیم؟ در پایان مقاله، ایبرت خاطر نشان می‌کند که بر اساس اخلاق کانتی به زحمت می‌توان شیندلر را

انسان خوبی دانست؛ تازه آن هم به شرط اینکه شیندلرِ اوایل و اواسط فیلم را کاملاً نادیده بگیریم. اما بر اساس اخلاق ارسطویی، یا همان اخلاق فضیلت‌گرا، می‌توان شیندلر را در پایان فیلم تا حد زیادی انسانی خوب، یا دست‌کم در مسیر خوبی، در نظر گرفت. چگونه؟ فضیلت اکتسابی است و هرچه فضیلت بیشتری کسب کنیم به انسان خوب نزدیک‌تر می‌شویم. هرچه فضیلت‌مندتر شویم رذیلت‌ها بیشتر از ما دوری می‌کنند. شیندلر در طول فیلم به فضیلت‌هایی متعدد دست می‌یابد؛ مهم‌ترین آن نوع دوستی است، تا جایی که تمام ثروت خود را صرف نجات یهودیان می‌کند. حتی در انتهای فیلم از اینکه ماشین و ساعت خود را فروخته تا یهودیان بیشتری را نجات دهد سخت نادم است. او در پایان از انسانی که هدفش تنها رسیدن به پول و ثروت بوده به انسانی بدل می‌شود که تمام هم‌وغمش نجات جان انسان‌ها است، حتی به قیمت فلاکت و ندراری خود. در این مقاله، نه‌تنها تفسیری ناب از فهرست شیندلر در اختیار ما قرار گرفته، بلکه مبحثی مهم در فلسفه اخلاق به شکلی انضمامی و ملموس به خواننده ارائه شده است. در دیگر مقاله‌های کتاب نیز، به همین منوال، به موضوعات مختلف فلسفی در ارتباط با فیلم‌های اسپیلبرگ پرداخته شده است. امیدوارم خوانندگان از مطالعه این کتاب لذت کافی و وافعی ببرند.

در پایان، مراتب قدردانی خود را از دست‌اندرکاران نشر کرگدن، به‌ویژه مدیر محترم و دلسوز آن، جناب آقای دکتر حسین شیخ‌رضایی، و سرکار خانم پریا عباسی بابت تمام مساعدت‌ها و همراهی‌هایشان ابراز می‌کنم. همچنین، از دکتر سیدنصرالله موسویان صمیمانه سپاسگزارم که در انجام این کار با نهایت خلوص به من یاری رساندند.

سیدحسین شریعتی

فروردین ۱۴۰۱، مشهد

سپاسگزاری

خود را مدیون مارک کوناردا^۱، استیو ورین^۲ و (به خصوص) آنا دین واتکینز^۳، از انتشارت دانشگاه کنتاکی، می‌دانم. آنها و تمام همکارانشان در UPK، در تعهد و فداکاری در قبال نویسندگان نشان بی‌نظیرند. درحالی‌که از تلاش خوب همه نویسندگانی که با من همکاری کردند سپاسگزارم، اما پروفیسور فوی^۴ دین زیادی به گردن من داشته، و یک تشکر ویژه به او بدهکارم. من هیچ همکاری دقیق‌تر از او نداشته‌ام. از همسرم، پاتریشیا، که همواره منبع قدرت و دلگرمی من بوده، و از حمایت جدی والدینم، بروس و سوزان، سپاسگزارم.

بیش از یک دهه هست که من فیلم و تلویزیون را در برنامه کلاس‌های فلسفه گنجانده‌ام. دانشجویانم همیشه از این موضوع قدردان بوده‌اند، درواقع، آنها الهام‌بخش اصلی من در ادامه این روش تدریس هستند. این کتاب نشانه اوج این الهام است. بنابراین، آن را به دانشجویان خود تقدیم می‌کنم. دانشجویان رشته فلسفه و سایر رشته‌ها از دِ بیک^۵ و ایندیانا پولیس^۶: سی. اشتون، ای. بادر، و. دی. بنتلی، ای. کامستوک، ا. فیشر، اس. فرانکس، کی. فری، ا. گیزه، وی. گریدر، جی. هیر، ای. هاف، وی. ای. کورن، اس. کاچ، تی. لازارو، سی. نیبلت، کی. پرهیچ، ای. فیلیپس، کی. استوری، اس. تاکیس و کی. زلینگا، جی. باک، ام. کاریلو، ای. کالوین، کی. الیت، جی. گورمن، ال. هالبان، ام. کلیپه، دی. کولر، دی. کراس،

1. Mark Conard
3. Anne Dean Watkins
5. Dubuque

2. Stive Vrinn
4. Professor Foy
6. Indiana Polis

اس. کراس، سی. ماچیچ، ال. کیو. مکدونالد، بی. میکولیس، ای. موسلی، دی. میزوسکی، اس. بفرینگر، بی. رت زاف، جی. استودر و سی. ووگا. محدودیت فضا به من اجازه ادامه این کار [نام بردن همه آنها] را نمی‌دهد. باین حال اگر اصطلاح «فیلسوفان تازه‌کار/ صفرکیلومتر» را به یاد دارید و می‌پسندید، این کتاب به شما اهدا شده است.

به تمام «فیلسوفان صفرکیلومتر» در همه جا

مقدمه

دین کوالسکی

هیچ فیلم‌سازی به اندازه استیون اسپیلبرگ^۱ بر فرهنگ عمومی تأثیر نگذاشته است. این کتاب تأییدی است بر این واقعیت. در صفحات پیش رو، شما بررسی کارنامه سی‌ساله اسپیلبرگ و ارزیابی آن را نه از لنز دوربین فیلم‌برداری، که از پشت لنز فلسفه مشاهده خواهید کرد. همچنین، احتمالاً ناباورانه متوجه خواهید شد که فلسفه آن چیزی است که به آن عمل می‌کنید نه انبوه دانسته‌ها در حافظه‌تان. در هر مقاله، نویسنده یکی از موضوعات و مسائل فلسفی را به بحث می‌گذارد، موضوعاتی شامل متافیزیک (مطالعه حقیقت غائی)، معرفت‌شناسی، اخلاق، ارزش‌شناسی (مطالعه ارزش که اخلاق تنها یک بُعد آن است)، زیبایی‌شناسی، فلسفه سیاسی، فمینیسم و ذهن. از آنجاکه کار ما تدریس و تحقیق فلسفه است، مخاطب مقالات کتاب عموماً نوآموزان و علاقه‌مندان فلسفه هستند؛ بنابراین، فهم این مباحث بدون دارا بودن پیش‌زمینه‌ای هرچند اندک از فلسفه دشوار خواهد بود. بخش نخست، با عنوان «فلسفه، فیلم‌ساز و شرایط انسانی»، دارای پنج مقاله است. گری آزما^۲ و توماس ریلی^۳، مقدمه درخوری بر کتاب نوشته‌اند. قسمت اول، تجزیه و تحلیل آرمز از اقتباس‌های ادبی اسپیلبرگ با تأکید بر دو فیلم *گزارش اقلیت*^۴ (۲۰۰۲) و *جنگ دنیاها*^۵ (۲۰۰۵) است در جریان این کار، او دید جدیدی از برخی روش‌های

1. Steven Spielberg

2. Gary Arms

3. Tomas Riley

4. *Minority Report*

5. *War of the Worlds*

فیلم‌سازی اسپیلبرگ در اختیارمان می‌گذارد. نوشتهٔ ریلی در قسمت دوم این مقاله به دغدغه‌های فلسفی اسپیلبرگ اشاره دارد. تمرکز او بر مسائل اخلاقی در آثار اسپیلبرگ، به‌خصوص در فیلم‌های *امپراتوری خورشید*^۱ (۱۹۸۷) و *جنگ دنیاها* است. او توضیح می‌دهد که تحلیل‌های فلسفی، جدا از تحلیل‌های دیگر، تا چه اندازه می‌تواند مهم باشد؛ چراکه فیلسوفان سعی دارند مفاهیم غیرملموس و انتزاعی را به کمک عقل و استدلال منطقی تبیین و اثبات کنند. مایکل لی‌گال^۲ و چارلز تالیفرو^۳ با بهره‌گیری از تاریخ فلسفه، به‌خصوص افلاطون و سقراط، چشم‌انداز جدیدی از فیلم‌های *ایندیانا جونز*^۴ (۱۹۸۱، ۱۹۸۴، ۱۹۸۹)، *ای. تی. ۵* (۱۹۸۲) و *هوک*^۶ (۱۹۹۱)، برای ما ترسیم می‌کنند. هیچ شاخهٔ دیگری از دانش به‌اندازهٔ فلسفه به تاریخ خودش وابسته نیست. در حقیقت، مطالعهٔ تاریخ فلسفه همان فلسفه‌ورزی است. با دانستن آنچه فیلسوفان بزرگ دربارهٔ این موضوعات گفته‌اند، یا به‌اصطلاح «با ایستادن بر شانهٔ غولان»، است که توانایی دیدن افق‌های دوردست در فلسفهٔ کنونی برای ما میسر می‌شود. لی‌گال و تالیفرو شما را به تأمل و مذاقه در برخی از نوشته‌های افلاطون، از جمله *کریتون*^۷، *اوتیفرون*^۸، *جمهوری*^۹ دعوت می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، بهترین رسائلی که می‌توان با آنها آموختن تاریخ فلسفه را آغاز کرد.

این دو مقاله تمهید و مقدمه‌ای درجه یک برای سایر مقالات این کتاب‌اند. مقاله‌های سوم و چهارم به‌منظور ارزیابی زیبایی‌شناسی فیلم‌های اسپیلبرگ نگاشته شده‌اند. این مقالات می‌توانند به‌طور خاص، مورد توجه محققان و فیلسوفان سینما قرار بگیرند. جان رایت به ما نشان می‌دهد که چگونه اسپیلبرگ سعی کرده است ایدهٔ «دیگری» ایمانوئل لویناس را اقتباس و در فیلم‌هایش به کارگیرد؛ به‌خصوص در فیلم‌های: *برخورد نزدیک از نوع سوم*^{۱۰} (۱۹۷۷)، *ای. تی. و فهرست شنیدلر*^{۱۱} (۱۹۹۳). کریستوفر تورگن^{۱۲} و من، *آرواره‌ها*^{۱۳} (۱۹۷۵)، نخستین فیلم اسپیلبرگ

1. *Empire of the Sun*
 3. Charles Taliaferro
 5. *E.T.*
 7. *Crito*
 9. *Republic*
 11. *Schindler's List*
 13. *Jaws*

2. Michel Le Gall
 4. *Indiana Jones*
 6. *Hook*
 8. *Euthyphro*
 10. *Close Encounters*
 12. Christopher Trogan

را که نام او را سرزبان‌ها انداخت، مجدداً بررسی کردیم. هدف از این تحقیق روشن کردن این مسئله است که آیا واکنش‌های احساسی ما به داستان‌های تخیلی قابل دفاع‌اند؟ تیم داوون^۱ بخش اول کتاب را با تحلیلی از فیلم هوش مصنوعی (۲۰۰۱) به پایان می‌رساند، به نظر او این فیلم به‌نوعی در جست‌وجوی معنای زندگی است. او، هم‌نوا با تعداد زیادی از منتقدان، استدلال می‌کند که دیدگاه اسپیلبرگ [در این فیلم] تحت‌تأثیر پروژهٔ اولیهٔ کوبریک برای ساخت آن بوده است. او معتقد است که فیلم هوش مصنوعی نشان‌دهندهٔ بینشی عمیق و شاید تراژیک دربارهٔ روابط آدمیان است.

بخش دوم با عنوان «ارزش‌ها، فضیلت و عدالت» تحقیقی است در برخی از مهم‌ترین بینش‌های اخلاقی که می‌توان از مجموع کارهای اسپیلبرگ به دست داد. این بخش با بررسی پارک ژوراسیک^۲ (۱۹۹۳) توسط جیمز اسپنس^۳ آغاز می‌شود. موضوع آن بررسی صحت و سقم این ایده است که خوب بودن همان طبیعی بودن است. او استدلال می‌کند مشکل بتوان تلاش‌های دیوید هیوم، فیلسوف اسکاتلندی، برای بنیان نهادن اخلاق بر پایهٔ طبیعت را پذیرفت. در مقالهٔ بعدی، راجر ایبرت^۴، شخصیت اسکار شیندلر را در فیلم فهرست شیندلر بر مبنای اخلاق ارسطویی و کانتی بررسی می‌کند. طبق استدلال ایبرت، شیندلر را به‌سختی بتوان بر مبنای اخلاق کانتی، شخصی اخلاقی نامید. درحالی‌که براساس اخلاق ارسطویی، موقعیت او به‌مراتب بهتر است. گرچه در پایان، تردیدهای جدی دربارهٔ شخصیت اخلاقی او همچنان پابرجاست. در مقالهٔ بعدی، رابرت کلویز^۵ تفسیری جدید از نجات سرباز رایان^۶ (۱۹۸۸) و رنگ ارغوانی^۷ (۱۹۸۵) اسپیلبرگ ارائه می‌دهد. به‌جای تفسیر این فیلم‌ها بر پایهٔ فایده‌گرایی^۸ یا وظیفه‌گرایی^۹ (در این مورد، به‌خصوص با تأکید بر نجات سرباز رایان)، کلویز استدلال می‌کند که نوعی «اخلاق خانواده» نیز می‌تواند رویکردی کاملاً پذیرفتنی باشد.

1. Tim Dunn

3. James Spence

5. Robert Clewis

7. *The Color Purple*

9. deontology

2. *Jurassic Park*

4. Roger Ebertz

6. *Saving Private Ryan*

8. utilitarianism

مقاله پایانی فصل دوم درباره حقوق و عدالت و رابطه پیچیده آن دو است. دیوید باگت^۱ و مارک فورمن^۲ از آمیستاد^۳ (۱۹۹۷)، به عنوان مدخلی مناسب برای ورود به بحث درباره مبانی فلسفی حقوق اساسی انسان، استفاده می‌کنند. این موضوع به آنها اجازه می‌دهد به کندوکاو در اندیشه‌های جان لاک بپردازند؛ فیلسوف بزرگ انگلیسی که نظریاتش تأثیری گسترده در شکل‌گیری اعلامیه استقلال [امریکا] داشته است.

بخش سوم و آخر، با عنوان «واقع‌گرایی، ذهن و متافیزیک»، به مسائلی درباره اینکه اشیا اساساً چگونه وجود دارند، نه اینکه چیزهایی درست، خوب، یا عادلانه‌اند می‌پردازد. در نخستین مقاله این فصل تمرکز کیت دروم^۴ بر نوعی واقع‌گرایی است که در اغلب فیلم‌های اسپیلبرگ دیده می‌شود، که بهترین نمونه آن نجات سرباز رایان است. دروم با تحلیل آنچه یک فیلم را واقع‌گرا می‌سازد شروع کرده و با ارائه خلاصه‌ای از زیبایی‌شناسی واقع‌گرایانه، این مقاله را به پایان می‌برد. نوشته او با تقسیم‌بندی فلسفی برخی از انواع مهم «فیلم‌های واقع‌گرا» خاتمه می‌یابد. آلن وایت^۵، به شکلی استادانه، جایگاه ضمیر ناخودآگاه و مسئله رابطه ذهن-بدن در فلسفه ذهن را بررسی و موشکافی می‌کند. او خلاقانه اما با قدرت استدلال می‌کند که طراحی اسپیلبرگ برای نقش‌آفرینی دیوید (هاری جوئل آزمنت)^۶ برای مونیکا (فرانسیس اوکانر)^۷ در فیلم هوش مصنوعی، برای فهم بهتر چشم‌اندازهای هوش مصنوعی حیاتی است. این مقاله همچنین کلیدی است برای درک عمیق‌تر از خود فیلم. این فصل با تحلیل فیلم گزارش اقلیت به اتمام می‌رسد. مقاله با تبیین مسئله آزادی انسان و [تقابل آن با] آگاهی از آینده شروع می‌شود، طبق استدلال نویسنده، این مسئله بیشتر ممکن است امری ظاهری باشد تا واقعی. در ادامه او استدلال می‌کند که فیلم گزارش اقلیت از دانش خاصی صحبت می‌کند که موضوع آن انتخاب‌های ما در آینده است. به نظر نویسنده، آگاتا (سامانتا مورتون)^۸، و دیگر پیشگوهای فیلم،

1. David Bagget

3. *Amistad*

5. Alan White

7. Frances O'Connor

2. Mark Foreman

4. Keith Dromm

6. Haley Joel Osment

8. Samantha Morton

مجهز به دانشی هستند که می‌توان از آن به‌عنوان آگاهی از «آیندهٔ مشروط» یاد کرد. این مقاله با بررسی تصمیم فرامتنی اسپیلبرگ، مبنی به بستن دایرهٔ مبارزه با جنایات قبل از وقوع (که با داستان اصلی فیلیپ کی. دیک^۱ مغایرت دارد) و دلایل موافقت و مخالفت با این تصمیم خاتمه می‌یابد.

در پایان کتاب پیوستی وجود دارد که به بحث دربارهٔ فیلم‌های اسپیلبرگ و ارتباط آنها با فلسفه کمک می‌کند. فهرست شیندلر، آمیستاد، هوش مصنوعی و گزارش اقلیت، چهار فیلم از شاخص‌ترین این آثار هستند. در این پیوست خلاصه‌ای از هر فیلم و مباحث مربوط به آن آمده است که برای جوامع سینمایی، مراکز نقد و بررسی کتاب و استفاده در کلاس‌های فلسفه ایدئال هستند.

در پایان، مسئلهٔ جدیدی که دربارهٔ فلسفهٔ فیلم و فلسفهٔ فرهنگ عامیانه وجود دارد، این است که آیا یک فیلم می‌تواند مانند فیلسوفان حرفه‌ای و آموزش‌دیده فلسفه‌ورزی کند. اگر فلسفه‌ورزی مستلزم اقامهٔ برهان و دفاع از مقدمات و تحلیل منطقی پیش‌فرض‌هاست، به نظر نقطهٔ مقابل آن چیزی است که یک فیلم به‌طور معمول انجام می‌دهد. (شاید تنها فیلم‌های مستند به‌شدت انتقادی به این سطح از استاندارد [فلسفی] برسند.) در اینکه سینما می‌تواند پرسش‌هایی فلسفی طرح کرده و گاهی به آنها پاسخ دهد، تردیدی نیست؛ در غیر این صورت، کتاب‌هایی مانند این هرگز منتشر و خوانده نمی‌شد. سؤال واقعی این است که یک فیلم مشهور تا چه اندازه می‌تواند منشأ فلسفه‌ورزی باشد. برخی از نویسندگان این مجموعه تردید دارند که بتوان فیلم دیدن را آغاز عمل فلسفی دانست، دیگران بیشتر موافق این ایده‌اند که فیلم دیدن گام مهمی در این مسیر است. ما قضاوت دربارهٔ این موضوع را، در مقام دستاوردی فلسفی، به خودتان واگذار می‌کنیم. امیدواریم پس از مطالعهٔ این کتاب، در موقعیت بهتری برای دفاع از پاسختان قرار بگیرید.

1. Philip K. Dick